

معانی اعداد و ارقام از منظر نشانه‌شناسی در فرهنگ و عقاید جوامع فارسی و کوردی

نارین هادی جبرائیل

پ.ی.د. مزگین عبدالرحمن احمد

قوتابی ماستر له زمانی فارسی، کولیتیژی زمان

به‌شی زمانی کوردی، کولیتیژی زمان

زانکوی سه‌لاحه‌ددین - هه‌ولیر

زانکوی سه‌لاحه‌ددین - هه‌ولیر

narinhadi2@gmail.com

mizgin.abdurahman@su.edu.krd

چکیده

کاربرد اعداد همواره در زندگی بشر حائز اهمیت بوده است. بشر برای اینکه با پدیده‌های طبیعی مدارا کند، آنها را بشناسد و در نهایت در زندگی روزمره‌ی خود به کارگیرد، نیاز به شمردن داشته است. از این رو اختراع اعداد، ثمره‌ی نیازهای بشر در طول تاریخ بوده است. ضمن اینکه از اساسی‌ترین علت برای ابداع، اختراع و گسترش اعداد به شکل امروزی خود، همان توسعه‌ی تمدن و رشد شهرنشینی در جوامع بشری بوده است. از این رو اعداد در باورهای کهن مردم حوزه‌ی مزوپوتامیا (کوردستان باستان) و فلات ایران، کارکرد مهم و تأثیرگذاری داشته است، تا جایی‌که تعدادی از آنها جایگاه مقدس و برجسته‌ای در میان مردم داشته‌اند و برخی دیگر نیز منحوس و نشانی از عالم شرّ به‌شمار می‌آمده‌اند. این تحقیق پژوهشی است تئوری (نظری) که به روش کتابخانه‌ای به رشته‌ی تحریر درآمده. پژوهشگر در این پژوهش سعی بر آن دارد که هر یک از نشانه، نشانه‌شناسی، معناشناسی را شناسایی و مورد بررسی قرار دهد، سپس دیدگاه چند نشانه-شناس نامی را برشمرده اعم از (سوسور، پیرس، اکو، موریس، و...الخ). همچنین معانی برخی از اعداد را مورد شرح و تحلیل قرار داده است.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی، معانی، اعداد، نشانه، سوسور، پیرس.

مقدمه

شیوه‌ی ترسیم تصاویر خطی و شکل هندسی حروف، همواره ذهن بشر متفکر را به خود مشغول داشته‌است. از قدیمی‌ترین تصاویر کشف‌شده بر روی دیوار غارها تا ابداع خط یا تصویربرداری نظیر هیروگلیف و انواع دیگر

آن و سپس تکامل و اختراع خط نزد تمدن‌های مختلف، شاهد تنوع اشکال حرفی و ارقامی هستیم. گذشته از شکل فیزیکی و هندسی حروف و ارقام، توجه به خاستگاه؛ ساختار ترتیبی؛ وجوه شمایی؛ اندامی اهل زبان یا نویسندگان و شاعران و نیز تعیین و تشخیص برخی از حروف و ارقام در شگردهای شاعرانه و ادبی یا عرفانی و در نتیجه نظام‌مند شدن حروف و ارقام شده‌است. چنان‌که در متون ادبی با شمار فراوانی از تصاویر، کاربردها و مضامین حرفی و ارقامی روبه‌رو هستیم. نشانه‌شناسی به منزله‌ی کاربرد فنی از متون زبان‌شناسی ما را بر آن می‌داد تا در متون ادبی به صورت نظام‌مند و به‌شیوه‌ی علمی به تحلیل‌های متنی پرداخت. به‌وسیله‌ی نشانه‌شناسی و گدگاری می‌توان روابط حاکم بر متن را که به دلیل تکرار برای مخاطبان معهود و عادی شده‌اند معنی‌دار ساخت، از طریق هم سو شدن با خواننده و نویسنده به‌نوعی ثبات ادراکی و نظم منطقی در ساختارهای ادبی دست یافت.

«نشانه‌شناسی به مثابه‌ی لنگر انداز (anchorage) عملِ قطعه‌بندی (bricolage) (افزودن حذف، جانشینی و جابه‌جا کردن عناصر زبانی) را تحقق می‌بخشد و سوژه‌های ایدئولوژیکی را بر پایه‌ی گفتمان اجتماعی پایدار می‌سازد.» (زمردی، ۱۳۹۲، ۳). زبان، نظامی از نشانه‌هاست که در آن وحدت معناها و تصاویر آوایی لحاظ شده‌است. به گفته‌ی (فردینان دو سوسور F. Sassaure) «هر اصطلاح زبانی یک جزء یا یک 'Atticus' است که در آن اندیشه‌ای در قالب آوا تثبیت می‌گردد و یک آوا نشانه‌ی اندیشه‌ای می‌شود.» (سوسور، ۱۳۷۸، ۱۶۲)

(پیرس CH. pierrec)؛ ضمن این‌که زبان را نظامی از اندیشه‌ها می‌دادند؛ ارزش آن را در گرو رابطه‌ی افتراقی نشانه‌ها و تمایز آن‌ها از هم می‌شمارد و تاکید می‌ورزد، که اگر مطابق تعریف دو سوسور از زبان؛ آن‌را مجموعه‌ای از نشانه‌ها تصور کرد و نیز اگر مجموعه‌ی تفاسیر متوالی به پایان برسند، نشانه‌ها ناکار آمد خواهد شد. از اینرو نظام زبان نزد سوسور یک نظام بسته‌ی هم‌زمانی است و نزد پیرس، مجموعه‌ی بی‌پایانی از زبانه‌هاست. (سجودی، ۱۳۸۳، ۱۹۵-۲۰۰). (هانس برتنس H. Bertens) نیز در مبانی نظریه‌ی ادبی؛ حصول معانی را به واسطه‌ی تفاوت‌ها ممکن می‌داند. از نظر او تمایز، نقشی مهم در تولید معنا دارد و نشانه‌ها از آن‌جاکه متفاوت هستند به نشانه‌های دیگر نیازمند می‌شوند و از این رهگذر معنا به-

وجود می‌آید. (برتنس، ۱۳۸۷، ۷۴)

واژه‌ی نشانه‌شناسی (Semiology) دارای ریشه‌ی یونانی است. این دانش در قلمرو نشانه و معنا به پژوهش می‌پردازد. درحقیقت از واژگان دانش پزشکی، که علایم بیماریها را مورد بررسی قرار می‌دهد، برگرفته شده است. از دوران باستان، فیلسوفان، منطق دانان و دستورشناسان به تحقیق درباره‌ی نشانه‌ها مشغول بوده‌اند و از عصر رمانتیک تا به امروز شاهد تلاش پیگیر زبان‌شناسان، مردم‌شناسان و روان‌شناسان بوده‌اند. جامعه‌شناسان و ادبیات‌پژوهان برای تدوین نظریه‌ای منسجم درباره‌ی دلالت در ارتباط و شناخت بوده‌اند. (مدرسی، ۱۳۸۷، ۳۶). به‌طور خلاصه در مورد موضوع نشانه‌شناسی می‌توان گفت، که نشانه‌شناسی بررسی انتقال پیام است، در حالیکه زبان‌شناسی، فقط به مسأله‌ای انتقال پیامهای کلامی می‌پردازد. یعنی از یک سو حوزه‌ی عملکرد زبان‌شناسی نسبت به نشانه‌شناسی محدودتر است و از سوی دیگر می‌توان گفت که تمام پیامهای غیر کلامی انسان در بردارنده‌ی حوزه‌ی پیامهای کلامی است، در حالیکه عکس این موضوع صادق نیست. نشانه‌شناسی یکی از دانشهای نسبتاً جدید است، که توجه دانشمندان و صاحب‌نظران بسیاری مانند، سوسور، امپرتو اکو، رولان بارت، پیرس و دیگران را به خودش جلب کرده است. باید توجه داشت از آنجا که تجزیه و تحلیل نشانه‌شناسانه‌ی محقق به دنبال تفسیر و کشف معنا می‌باشد، معناشناسی یکی از دغدغه‌های اصلی این دانش است. پس با توجه به اینکه معنا تنها در متن و با توجه به محیط و زمینه قابل تفسیر است، مقوله‌های متن و بافت نیز از مباحث اصلی این دانش به حساب می‌آیند. تحلیل نشانه‌شناختی علاوه برحوزه‌ی نشانه‌شناسی، پیامدهایی در مطالعات معنی‌شناسی، تحلیل گفتمان، تحلیل متن، مطالعات رسانه‌ای ارتباطات، مطالعه کارکردهای ایدئولوژیک و سیاسی متن و نیز فلسفه زبان خواهد داشت. (سجودی، ۱۳۸۳، ۱۶). هر نشانه شامل سه عنصر است که در پیوند با یکدیگرند؛ نخست نمود نشانه که به‌چیزی غیر از خود اشاره می‌کند، دوم آنچه نشانه را پدید آورده است (Object) و عنصر سوم عبارت است از تعبیر نشانه. (صفوی، ۱۳۹۱، ۱۳۱). پس هر متنی اگر به‌درستی تحلیل شود تنها بازتاب واقعیت نیست؛ بلکه تولید و تکثیر کننده‌ی واقعیت نیز هست. به‌دلیل آنچه در بالا گفته شده است می‌توان نشانه را چنین تعریف کرد، که نشانه عبارت است از هر چیزی که به غیر از خود دلالت کند.

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی _ تحلیلی انجام گرفته است، ابتدا برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده. بدین شیوه، ابتدا نظریه‌های متعدد در رابطه با زبان و شکل‌گیری اعداد و ارقام مورد مطالعه قرار گرفته شده، سپس درمورد برخی از اعداد که نمایانگر نشانه‌های هستند بحث شده، و برای هر یک از آنها نمونه‌های آورده شده است.

اهمیت و سوالات پژوهش

این مقاله برگزیده شده‌ی قسمتی از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد است، با در نظر گرفتن عنوان پایان‌نامه و نزدیکی زبان فارسی و کردی به هم دیگر و همچنین اهمیت اعداد و ارقام در فرهنگ و تمدن هر دو زبان، زیرا این مبحث برای کسانی که خواهان این هستند از راه نشانه‌های ارقام به معانی مجازی آنها پی ببرند و با فرهنگ این دو زبان آشنا شوند، بسیار حائز اهمیت است. در این پژوهش سعی بر آن است که ابتدا چهارچوب نظری درباره‌ی موضوع مورد بررسی و نظریه‌های دانشمندان و انواع نشانه‌ها را مطرح ساخت. این پژوهش بر این چند پرسش استوار است، پژوهشگر دنبال جستن جواب این پرسش است، که آیا اعداد دارای معانی خاصی هستند؟ کدام یک از ارقام بیشتر اهمیت دارد و معانی آنها پرنقش‌تر است؟ و آیا نزدیکی و خویشاوندی این دو زبان موجب می‌شود که معانی اعداد از نظر نشانه‌شناسی در هر دو زبان همانند یکدیگر باشد؟

پیشنه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی اعداد و بررسی آنها در ساختار زبانی مطالعاتی در هر دو زبان فارسی و کوردی صورت گرفته است، به عنوان مثال مطالعاتی به زبان کوردی کتابی تحت عنوان (پیکهات‌هی ژماره له زمانی کوردی دا) بوجود آمدن اعداد در زبان کوردی توسط: (بابا رسول انور رسول) نوشته شده است، که البته تنها در حوزه‌ی زبان و ادبیات کوردی و بوجود آمدن اعداد در آن زبان را مورد بررسی قرار داده است. در زبان فارسی نیز بدین شیوه مطالعات و مقالاتی در زمینه‌ی اعداد در اشعار فارسی صورت گرفته اما اینکه به صورت ویژه و از لحاظ معناشناسی و نشانه‌شناسی در زبان و ادبیات هر دو ملت کورد و فارس و بررسی عدد در شعر شاعران، ادبیات محاوره، پندها، ... غیره، پژوهش خاص شکل نگرفته است.

۱- نشانه‌شناسی

شناخت هر دانشی قبل از هر چیز با تعریف‌هایی که بزرگان از آن دانش ارائه می‌دهند، امکان پذیر است. زیرا تعاریف حدّ و مرز یک دانش را مشخص می‌کند و ذات آن را نیز معین می‌کند. دانش نشانه‌شناسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین تعریف‌های نشانه‌شناسی می‌تواند راهی برای آشنایی و ورود به دنیای نمادها و نشانه‌ها باشد و از طریق آن می‌توان به اهداف و مقاصد و سطوح کاربردی این دانش واقف شد.

نشانه‌شناسی دانشی است، که بیشتر به مطالعه‌ی نشانه‌ها و نمادهای اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد، در این دانش مشخص می‌شود، که نشانه‌ها چگونه و از چه تشکیل شده‌اند و همچنین امری عینی و ملموس است که جایگزین پدیده‌ای می‌شود که غایب است، روشن است که پژوهش‌های نشانه‌شناسی مربوط به امروز نیست؛ بلکه سوابق آن به دوران باستان باز می‌گردد. عموماً می‌توان سرچشمه‌ی این نظریه را به هردو زبان‌شناس معروف (فردینان دو سوسور)، (چارلز ساندرز پیرس) بازگرداند، که شاید کم و بیش در یک دوره‌ی تاریخی زیسته‌اند، آنها بنیان‌گذاران اصلی این دانش هستند که امروز نشانه‌شناسی نامیده می‌شود. اگرچه پس از آنها تحولات گسترده‌ای در مباحث نشانه‌شناسی صورت گرفته است و مبانی فکری‌شان در حوزه‌های متفاوتی گسترش یافته‌است، کماکان الگوهای که (سوسور) و (پیرس) از مفهوم نشانه به‌دست داده‌اند، اعتبار بنیادی خود را حفظ کرده‌اند و مبانی تحولات بعدی بوده‌است. (سجودی، ۱۳۸۲، ۲۲). از دهه‌ی (۱۹۵۰) به این سو، نشانه‌شناسی همچون روش پژوهش، به‌ویژه در دو قلمرو شناخت دلالتها و ادراک سازوکار ارتباطها به‌کار رفته‌است. باید گفت، که نخستین بار این دانش در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسط زبانشناس سوسور و پیرس معرفی شده است و در مورد آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، ولی اندیشه‌ها و آغازگر اولیه‌ی آن از افلاطون و سقراط نشأت گرفته‌است. انگلیسی‌ها بیشتر اصطلاح (Semiotics) را به‌کار می‌برند، اما توسط اروپاییان اغلب اصطلاح (Semiology) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نشانه‌شناسی معلوم خواهد کرد که نشانه‌ها از چه چیزی ساخته شده‌اند و قوانین حاکم بر آنها کدامند. پیرس از نشانه‌شناسی به معنای «نظریه‌ی دلالت» نیز نام برده‌است. (احمدی، ۱۳۹۲، ۱۳۲۲). نشانه‌شناسی اقسام دارد، زبانشناسان هر یک به گونه‌ای نشانه‌شناسی را تقسیم بندی کرده‌اند، عده‌ای از آنها نشانه‌شناسی را به سه بخش اساسی تقسیم کرده‌اند به قرار زیر، که به قرار زیر هستند:

۱- معناشناسی (Semantics): در واقع ساخت حوزه پژوهش خود را به ساخت مدلولها محدود می‌سازد.

۲- اصول نحو (Syntactic): مناسبت میان اجزای دالها را تحلیل می‌کند.

۳- دانش کاربردی و اثرات دلالتها (Pragmatics): پراگماتیک کاربرد ویژه دلالتها را در قلمرو ارتباطی مورد بحث قرار می‌دهد.

در ادامه بحث به تعریف نشانه و نشانه‌شناسی به دیدگاههای دیگری در تعریف این دانش پرداخته می‌شود تا تبیین شود که این دانش تا چه اندازه تعریف بردار است و از طریق آن با دیدگاههای نظریه پردازان در این حوزه آشناتر خواهیم شد.

۱-۱: تعریف نشانه و نشانه‌شناسی

هر یک از ما در کاربرد زبان خود، در زندگی، در سخن و گفتارمان عده‌ای از نشانه‌ها را به‌کار می‌بریم به‌صورت آگاهانه یا ناخود آگاه که از طریق زبان که یک پدیده‌ی اجتماعی است، برای برقراری ارتباط و تبادل کردن افکارها یا وسیله‌ای است برای رساندن پیام، استفاده می‌کنیم. یعنی به-عبارت دیگر می‌توانیم بدین نکته اشاره کنیم که زبان دستگامی است از علایمها که بیانگر افکار و اندیشه‌های انسان است. لازم به ذکر است که علایم و نمادها به‌شیوه‌ی قراردادی از زمان‌ها پیش بین افراد جامعه به‌وجود آمده‌اند. برخی از متفکران در تعریف نشانه‌شناسی گفته‌اند: نشانه‌شناسی شاخه‌ای است که نشانه‌ها را بررسی می‌کند. البته این تعریف ساده سوءفهم-هایی را به دنبال داشته است. هر نوع بررسی نشانه‌ها، نشانه‌شناسی نیست. مبحث نشانه‌شناسی قبلاً جزو فلسفه به معنای عام بوده است. بسیاری از دانش در گذشته، پیش از آن که روش و مباحث آنها دقیقتر گردد، که بخشی از فلسفه بودند. (Lidov, 1999, 4).

(سیمولوژی- نشانه‌شناسی) کلمه‌ای است، که در فرانسه از قرن هجدهم به بعد استفاده از آن در حوزه پزشکی بسیار رایج شد. اما در خصوص نظریه‌های مربوط به مسائل زبان، سیمولوژی (نشانه‌شناسی) مدیون سوسور است. وی خواهان ایجاد دانشی برای بررسی و مطالعه نظام نشانه‌ها بود. تعریف دقیقی که سوسور از این واژه می‌دهد: سیمولوژی دانشی است که به مطالعه حیات نشانه‌ها در درون حیات اجتماعی می‌پردازد. بر اساس این تعریف کار «سیمولوژی» فقط فهرست‌برداری، نوع‌شناسی و بررسی نقش

نشانه‌ها در مجموعه‌ای اجتماعی_فرهنگی با مشخصه‌های دقیق تاریخی است.» (شعیری، ۱۳۸۱، ۱۱). به عبارت دیگر نشانه‌شناسی رویکردی است که از زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، نقد ادبی و ... غیره، بهره گرفته است. پس می‌توان گفت نشانگی یا نشانه‌شناسی پدیده‌ای است که اشکال حیات را از اشیاء بی روح متمایز می‌سازد. تعریف ساده‌ی این پدیده را می‌توان توانای ذاتی تمامی ارگانیس‌های زنده در تولید و درک نشانه‌ها دانست. (سببیک، ۱۳۹۱، ۲۷). بنابر تعاریفی که از نشانه‌شناسی ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که: نشانه‌شناسی دانشی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در تولید و مبادله و تعبیر آن‌ها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد و نشانه چیزی است، که به غیر از خود اشاره یا دلالت می‌کند.

۱-۱-۱: معنا شناسی

از آنجا که هر دانشی به عنوان یک پدیده دارای دو وجه لفظ و محتوا می‌باشد، دانش نشانه‌شناسی نیز به عنوان یک پدیده دارای چنین حالتی است. وجه لفظی این دانش همان صورت ظاهری آن است، که در حوزه زبان‌شناسی با عناصر زبانی آن سر و کار داریم و در حوزه محتوا، معنای آن مد نظر قرار می‌گیرد. این بخش از دانش مهم‌ترین بخش آن است و صورت و شکل ظاهری آن که در نمادها و نشانه‌ها خود را عرضه می‌کند در راستای نیل به مقصود گوینده است، که در معنا تجلی می‌یابد. بنابراین معنا آن بخش نهفته در دانش نشانه‌شناسی است، که لفظ با تمام آراستگی و پیراستگی برای این منظور ادا می‌شود. ماریو پای بیان کرده است که دانش معنا در مطالعه معانی کلمات تخصص دارد. (ماریو پای، ۱۹۹۸، ۴۴). به دلیل اینکه برداشت اهل زبان از جهان بیرون به وسیله قالب‌های زبانی صورت می‌گیرد و معناشناسی به جهت پیوند نزدیکی که با عالم خارج دارد یکی از بخش‌های مهم زبان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. سوسور می‌نویسد: «اگرچه معنی و صورت هر یک به‌طور جداگانه صرف افتراقی و منفی‌اند، یعنی دالها نسبت به هم و مدلولها نسبت به هم رابطه‌ای افتراقی (با تمایزی) دارند، ترکیب آنها رویدادی مثبت خواهد بود.» (سوسور، ۱۳۷۸، ۱۷۳). می‌توان به این چیز در مورد تعریف نشانه اشاره کرد، که نشانه به طور کلی مفهومی تحلیلی است و تحلیلگر ابتدا در هر حال با متن روبرو می‌شود و سپس برای تحلیل متن ممکن است به ابزاری به نام نشانه و چگونگی هم‌نشینی آن با نشانه‌های دیگر در نظام‌های نشانه‌ای دیگر متوسل شود.

(سجودی، ۱۳۸۳، ۱۵۵).

۱-۱-۲: نشانه از منظر زیان‌شناسان

زبان‌شناسان مشهور در ارتباط با نشانه دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده‌اند، که دیدگاه برخی از آنها جداگانه مورد توجه قرار داده می‌شود:

۱-۱-۳: نشانه از منظر سوسور

فردینان دو سوسور دانشمند و زیان‌شناس سوئیسی، نشانه را موضوعی کالبدی در عین حال معنادار معرفی می‌کند. (چندلر، ۱۳۸۶، ۲۱) و الگوی دو وجهی از نشانه با عنوان دال و مدلول (مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند، یا تصور مفهومی) ارائه می‌دهد و از رابطه‌ی میان این دو عنصر درونی نشانه با عنوان دلالت یاد می‌کند. (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۹). سوسور، یک الگوی دوتایی یا دو بخشی را برای نشان دادن نشانه مطرح می‌کند. او با تمرکز بر نشانه‌های زبانی نشانه را از یک دال و یک مدلول می‌داند.

از نظر سوسور ارزش هر نشانه با حضور هم‌زمان نشانه‌های دیگر و در ارتباط با آن معنا می‌یابد. (سوسور، ۱۳۸۲، ۱۶۵). او معتقد بود که رابطه‌ی بین عنصر دال و مدلول مثل دو طرف یک برگ کاغذ است که در ذهن به هم وابسته‌اند. نشانه باید حاوی دال و مدلول باشد. از منظر سوسور، کلید فهم نشانه‌ها توجه به رابطه‌ی ساختاری آنها با نشانه‌های دیگر بود. به طور کلی، سوسور توجه خود را بیشتر به خود نشانه معطوف کرده است و توجه چندانی به دلالت آن به واقعیت‌های بیرونی نشان نمی‌دهد.

۱-۱-۴: مفاهیم دال، مدلول، دلالت

در دانش نشانه‌شناسی، مفاهیمی همچون دال و مدلول و دلالت، مفاهیمی بنیادین هستند، که بدون درک آنها، وجود معنا در نشانه قابل اتکا نخواهد بود. به عبارت دیگر، وجود معنا در نشانه به درک و دریافت این مفاهیم وابسته است. از نظر تاریخی و بر اساس نظریه‌ی فردینان سوسور، دال به دو گونه قابل تعبیر است: نخست، به عنوان یکی از مقوله‌های سازنده‌ی نشانه کمینه‌ای یا تکواژی که سوسور در بدو تعاریف خود آن را ((تصور صوتی)) می‌خواند؛ دوم به عنوان حوزه‌ی زبانی که به وسیله‌ی تولیدات آوایی در برگیرنده‌ی مجموعه‌ی مدلول‌هاست. از آنجا که هر زبان را می‌توان (مجموعه‌ی معنادار) در نظر گرفت، وجود معنا نیز متکی بر حضور دال و مدلول است؛ هرگاه که ارتباط بین دال و مدلول مطرح باشد،

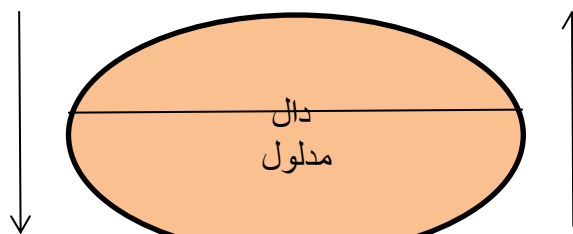
می‌توان سخن از زبان به میان آورد. سوسور دال و مدلول را به صیغهی کاغذی تشبیه می‌کند که روی آن حکم دال و پشت آن حکم مدلول را دارد بدین ترتیب به ارتباط تنگاتنگ و جدایی ناپذیر این دو اشاره می‌کند. (شعیری، ۲۳، ۱۳۸۱-۲۴). بنابر آنچه در بالا نوشته شده می‌توان چنین دریافت شود که، دال (Signifier): دلالت‌کننده و نشانگر است. دال همان تصور صوتی است و صرفاً یک امر مربوط به امور دیگر است، که تعریف آن را نمی‌توان از تعریف مدلول جدا کرد. دال می‌تواند به یک ماده و موضوع مشخص و معین ارتباط یابد و این ماده و موضوع متعلق به قلمرو واژه‌ها است. مدلول (Signified): دلالت شونده و نشانده است. سوسور ماهیت ذهنی مدلول را با مفهوم خواندن آن مشخص می‌کند. مدلول، برای مثال، کلمه‌ی بلبل پرنده‌ای به نام بلبل نیست، بلکه تصویر ذهنی از یک شیء است. در استدلال سوسور، مدلول در زبان، پشت دال قرار می‌گیرد و فقط از طریق دال است، که می‌توان به آن دست یافت. از دید سوسور هم دال و هم مدلول جنبه‌ی (روانشناختی) دارند. و هیچ یک جنبه‌ی مادی ندارند، و به نظامی انتزاعی و اجتماعی تعلق دارند. (سجودی، ۱۳۹۵، ۱۴).

برای بیشتر روشن شدن این مطلب، به نمونه‌ی زیر توجه داشته باشید، نشانه مکتوب درخت را در نظر بگیرید:

- نشانگر: حروف (د، ر، خ، ت).

- نشانده: مقوله‌ی (درخت) است.

رابطه‌ی بین دال و مدلول را اصطلاحاً «دلالت signification» می‌نامند و این رابطه در نمودار سوسوری با پیکان نشان داده شده است. دو پیکانی که سوسور در نمودار به کار گرفته است نشان دهنده‌ی تعامل دو سویه‌ی بین این دو وجه نشانه است. وجود خط افقی و تقابلی که در نمودار وجود دارد نشانگر آن است، که دال و مدلول را می‌توان برای مقاصد تحلیلی از هم متمایز کرد.

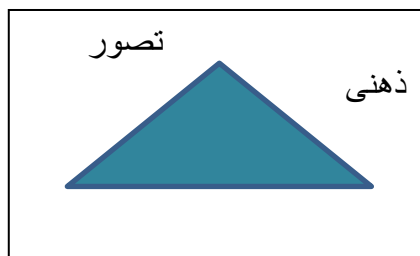


نمودار ۱ رابطه‌ی بین دال و مدلول

۵-۱-۱: نشانه از منظر پیرس

(چارلز ساندرس پیرس)، فیلسوف و منطق دان آمریکایی یکی، که یکی از نشانه‌شناسان معروف آمریکایی است. از مؤسسان مکتب پراگماتیسم و هم به عنوان بنیان‌گذاران نشانه‌شناسی شمرده می‌شود، پیرس الگوی خود از نشانه را برخلاف مدل سوسور به سه بخش (شمایل، نمایه و نماد) تقسیم کرده است. بر این اساس در نوع نمود نشانه به صورت شمایل، رابطه‌ی نشانه با موضوعش مبتنی بر نشانه است، و نشانه از برخی جنبه‌ها مانند شکل ظاهر، صدا و احساس، و... غیره، شباهتی با موضوع خود دارد. (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۱). در صورت نمایه‌ای نشانه، مناسبت دال و مدلول یا علت و معلولی میان نشانه و موضوعش برقرار است. (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۷). پیرس، نشانه‌شناسی را از نظریه‌ی شبه ضروری می‌دانست زیرا ویژگی‌ها، نشانه‌هایی را که ذهن از طریق تجربه به دست می‌آورد روشن می‌سازد. از این رو وی منطق را نشانه‌شناسی صوری می‌دانست. الگوی پیرس از نشانه شامل موضوع یا مصداق است، که چنین چیزی مستقیماً در الگوی سوسور وجود ندارد. نمود در معنا شبیه دال سوسوری است، و تفسیر معنایی شبیه مدلول دارد، البته کیفیت تفسیری بی‌شباهت به مدلول است؛ زیرا خود یک نشانه در ذهن تفسیرگر است. در نظر پیرس، یک نشانه خطاب به کسی است یعنی در ذهن آن فرد نشانه‌ای معادل یا شاید یک نشانه‌ی بسط یافته به وجود می‌آورد، که آن را تفسیر نشانه نامیده می‌شود. (چندلر، ۱۳۸۷، ۶۲). پیرس (C. S. Pierce) پروژه مطالعات نشانه‌شناختی خود را (Semiotics) می‌خواند و در آن بر دلالت تأکید ویژه‌ای می‌نهد و در واقع نشانه‌شناسی را نظریه‌ی عمومی شیوه‌های دلالت تعریف می‌کند. از این رو از دیدگاه او عناصر اصلی در نظریه‌ی نشانه‌شناسی شامل، نشانه، موضوع و مفسر است، که سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر طبق تعریف پیرس، یک نشانه (sing) چیزی است که در برابر یک شیء (object) قرار می‌گیرد تا چیز سوّمی را که تعبیر (interpretant) نام دارد تعیین کند. به عنوان مثال، کلمه‌ی درخت نشانه‌ای است، که در مقابل درخت خارجی (شیء) قرار دارد و صورتی ذهنی یا یک مفهوم را که تعبیر آن است به ذهن‌خاطر می‌دهد. بنابراین این هر نشانه‌ای در یک رابطه‌ی سه

وجهی قرار می‌گیرد. (قائم‌نیا، ۶، ۱۳۸۵).



۶-۱-۱: نشانه‌شناسی از منظر اکو

یکی از نشانه‌شناسان معاصر امبرتو اکو است، که تعاریف مختلفی را برای سیمولوژی ارائه نموده است. یکی از جامع‌ترین تعریف‌های نشانه‌شناسی از اکو، می‌گوید: نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتوان آن را نشانه دانست سروکار دارد. (Eco, 1976, 7). نظریات نشانه‌شناسی اکو بیشتر با محوریت فرهنگ در راستای تحلیل نشانه‌های فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی بوده است. (اکو، ۱۳۸۴، ۷ و ۹). از نظر او بدین خاطر که انتقال دهندگان پیام از لحاظ طبقه‌های اجتماعی، تحصیلات و یا ایدئولوژی سیاسی، جهان بینی و روحیه گروهی با مخاطبان خود تفاوت دارند، پیام نزد این دو گروه دارای معنای یکسانی نبوده و هر یک پیام را از دید خود تفسیر می‌کنند. (آسابرگر، ۱۳۸۹، ۴۹). امبرتو اکو متفکر ایتالیایی که با کتاب (انگاره نشانه‌شناسی) خوانندگان بسیاری را با این دانش آشنا ساخت. او به پدرش گرایش داشت. یکی از رمان‌هایش به نام (نام گل سرخ) کنایه گونه‌ای پرمعنی درباره‌ی نشانه‌شناسی است. همچنین می‌توان به دو کتاب مهم نظیر او در این باره هم اشاره نمود، مانند: (جستجوی زبان کامل و نشانه‌شناسی). انسان از دانش نشانه‌شناسی می‌آموزد، که در جهانی مملو از نشانه‌ها زندگی می‌کند و هیچ راهی برای شناخت آنها ندارد مگر از طریق نشانه‌ها و نمادهای که طبقه‌بندی شده‌اند. نشانه‌شناسان نشانه‌ها را در انزوا مطالعه نمی‌کنند، بلکه توجه خود را به مطالعه‌ی شکل‌گیری و مبادله‌ی معنا در متون و گفت‌وگوهای مختلف و در سطوح هم‌زمانی و در زمانی معطوف کرده‌اند. (سجودی، ۱۳۹۰، ۱۲۸).

۷-۱-۱: نشانه‌شناسی از منظر چارلز ویلیام موریس:

چارلز ویلیام موریس (CH.w.morris) یکی دیگر از زبان‌شناسان حوزه‌ی نشانه‌شناسی است، که به نشانه، « از منظر یک محرک برای

رفتارهای انسانی نگاه می‌کند». (قائمی‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۵). موریس باور دارد که، «نشانه‌شناسی در واقع مطالعه‌ی نشانگی است». (ریاحی و انصاری منش، ۱۳۹۶، ۵). (موریس)، نشانه‌شناسی را به سه بخش اصلی تقسیم‌بندی می‌کند، که عبارتند از: نحو‌شناسی، معناشناسی و کاربردشناسی. نحو‌شناسی، به بررسی ارتباط میان نشانه‌ها می‌پردازد. اما معناشناسی، به ارتباط موجود بین نشانه‌ها با اشیا و تعابیر متناظرشان می‌پردازد. همچنین کاربردشناسی به مطالعه‌ی ارتباط نشانه‌ها با کاربران می‌پردازد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۵).

۲-۱: رمزگان

آنچه موجب رابطه‌ی میان مفاهیم دال و مدلول می‌شود، (رمزگان) نام دارد؛ به عبارت دقیق‌تر نشانه‌ها بدون وجود رمزگان تولید معنا نمی‌کنند؛ بلکه وقتی که با رمزگان رابطه‌ی دالها و مدلولها ایجاد می‌شود، نشانه‌ها در یک نظام معنا دار قابل تفسیر خواهند بود. مفهوم رمز در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. سوسور با رمزگان بیانی سروکار داشت و تأکید می‌کرد، که نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند، فقط وقتی در ارتباط با یکدیگرند، تفسیرپذیر می‌شوند. در واقع رمزگان از نظر دنیل چندلر چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. نمی‌توان چیزی را که در قلمرو رمزگان نیست، نشانه نامید. رمزگان، نشانه‌ها را به نظام معنادار تبدیل می‌کند و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود. همچنین قراردادهای رمزگان، نشانگر بُعد اجتماعی در نشانه‌شناسی هستند، یک رمز مجموعه‌ای از فرایندهاست که کاربران یک رسانه مثلاً، عکاسی یا سینما با آنها مأنوس هستند. در واقع همانطور که استیوارت گفته است: «بدون کارکرد یک رمز هیچ گفتمان قابل درکی وجود ندارد» (چندلر، ۱۳۸۶، ۲۱۹). به عبارت دیگر نشانه‌شناسان همواره به دنبال یافتن رمزگانها و محدودیت‌هایی هستند که در فرآیند تولید و شرح و تفسیر معنای هر نماد و نشانه‌ای وجود دارد. رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است؛ هر رمزگانی، نظامی از دانش است و بیشتر بافت بنیاد و فرهنگ بنیاد است. زبان، بزرگترین و پیچیده‌ترین رمزگان است، زیرا همه‌ی رمزگانهای دیگر از جمله رمزگانهای آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره به واسطه‌ی زبان قابل توصیف هستند. (فتوحی، ۱۳۹۱، ۲۶۰). اگر تعریفی دیگری را از موضوع رموز یا رمزگانها ذکر شود، می‌توان اشاره به چنین تعریفی کرد، که چندلر در

کتابش آن را ارائه نموده است، چنان می‌نویسد: "رمزگان مجموعه‌ای از روشهایی است، که برای کاربران آن رسانه و در یک چارچوب گسترده‌تر فرهنگی، آشنا است". (چندلر، ۲۰۰۲، ۱۴۷). بنابر آنچه که در بالا ذکر شد، می‌توان دریافت، که رمزگان عبارت است از آن مجموعه قراردادهای اجتماعی پذیرفته شده‌ای، که تولید و تفسیر متن‌ها به آنها وابسته و مرتبط است. از منظر نشانه‌شناسی، "متن" در رسانه‌ای ممکن است شکل بگیرد و می‌توان کلامی، غیر کلامی و یا ترکیبی از هر دو باشد. متن، پدیده‌ای فیزیکی است، اما قطعی نیست. همان طور که گفته شد از دید نشانه‌شناس متن الزاماً کلامی نیست و هر نوع همنشینی نظام‌مند نشانه‌ها (اعم از واژه‌ها، تصاویر، صداها، ژست‌ها و غیره) در پیامی چند لایه، که از طریق مجاری فیزیکی قابل دریافت باشد. و با ارجاع به قراردادهای اجتماعی (رمزگان) شکل گرفته باشد دریافت بشود، متن است.

۳-۱: تعریف اعداد و ارقام

شماره یا عدد موضوعی است برای نشان دادن شمارش یا ضمیر برای تعیین مقدار آنها، به عبارت دیگر تمام‌کننده‌ی نام یا ضمیر برای تعیین مقدار آنها است. عدد لفظی است که در تعیین عده‌ای اشیاء و اشخاص بکار رود و شماره‌ی آن را بیان کند، چنانکه گوئیم: دو کتاب و پنج قلم. لفظ (دو) و (پنج) عدد است، و عده‌ی کتاب و قلم را تعیین می‌نماید. شمیسا می‌نویسد عدد بر چهار قسم است عبارتند از: اصلی، ترتیبی یا وصفی، کسری، توزیعی. (شمیسا، ۱۳۲۷، ۱۱۷). کلیاسی بدین شیوه از عدد بحث و تعریف نموده است: «عدد کلمه‌ای است معمولاً به صورت وابسته‌ی پیشین یا پسین همراه با هسته‌ی گروه اسمی (معدود) می‌آید، به سه نوع تقسیم بندی می‌شود: اصلی، ترتیبی، کسری. عدد اصلی همیشه قبل از اسم می‌آید، مانند: (دو مرد، سه زن، ...). عدد ترتیبی با افزودن پسوندهای /om/ و /omin/ به عدد اصلی ساخته می‌شود که اولی پس از اسم و دومی قبل از اسم قرار می‌گیرد (مرد دوم، دومین زن، ...» در واقع اعداد اصلی در زبان کوردی نیز همه به شاخه‌ای ایرانی زبان‌های هندوآورپایی تعلق دارند، و در اکثر موارد با فارسی مدرن یکسانند. (مورگان، ۱۳۹۶، ۱۷۵). علاوه بر عده‌های ترتیبی منظم، یکی دو صورت واژگانی هستند که به عنوان عدد ترتیبی به کار می‌روند ولی تنها پسوند /in/ می‌گیرند، مانند: نخست، اول (کتاب نخست، مرد اول، نخستین کار، اولین مرد). عدد کسری، از ترکیب عدد اصلی با عدد ترتیب (یک پنجم) و ا به کمک دو عدد اصلی ساخته می‌شود که دومی لزوماً

یک است (پنج یک). عدد کسری قبل از معدود قرار می‌گیرد. (پنج یک زمین، دو پنجم کار،...). (کلباسی، ۱۳۸۰، ۳). معین در فرهنگ‌نامه‌ی خویش عدد را معادل شماره و به معنای شمردن اشیاء تعریف کرده است. (معین، ۱۳۷۱، ۱۱۶۳). اگر تعریف دیگری از عدد و ارقام مطرح گردد، می‌توان گفت که عدد در اصطلاح دستوری کلمه‌ای است که بر نوعی شماره دلالت می‌کند. یعنی هر کلمه‌ای که به‌شيوه‌ای شماره‌ی کسی یا چیزی را معین سازد یا به‌طور کلی دلالت بر شماره بکند عدد نامیده می‌شود. (فقیهی، ۱۳۴۹، ۹۲). عدد را می‌توان یکی از پایه‌های علم ریاضی دانست که به مدد آن هر شیء مورد محاسبه و شمارش قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، عدد این مجموعه از کلام هستند که تنها وظیفه‌ی نام یا مقدار یا بخشی از چیزی که معین است می‌رسانند. یا جایگاه چیزی را در یک زنجیره می‌رسانند که دارای خاصیت معنای شماره هستند. (دزه‌یی، ۲۰۰۹، ۶۲). براساس آن تعاریفی، که ذکر شده‌اند می‌توان چنین نتیجه گرفت که، عدد، واژه‌ای است شمار یا مقدار یا جزئی از تعداد و مقدار یا ترتیب و توزیع معدود را نشان می‌دهد.

در علوم ریاضیات (عدد یا تعداد) اساس و نشانه‌ی اصلی آن شمرده می‌شود. عددهای اصلی یا طبیعی از سفر تا شماره (۹) نو آغاز می‌شود، یعنی از (سفر تا نو) بخشی از شماره‌ی طبیعی و بر اساس قوانین ریاضیات یا ماتماتیک فرمول‌ها و تعدادهای دیگری را ایجاد می‌کند، این نشانه یا سمبول‌ها سیستمی تعداد یا شمارشی (نظام العدد) را از علوم ریاضیات تشکیل می‌دهند. (شوانی، ۲۰۰۹، ۱۱۴).

در تفسیر اعداد روش‌های مختلف وجود دارد، که هر کس بر اساس تجربه و دانشی که آموخته اعداد را بحث و تفسیر می‌کند. هنگام درک و فهم اعداد و ارقام نیاز به شهود، یا کنترل نیروهای ذهن است. ولی همیشه نمی‌توان به‌طور کامل یک عدد را تفسیر کرد، چرا که حداقل یک پنجم آن تغییر می‌کنند و آن را تقدیر می‌گویند. همه‌ی اعداد تفسیر مثبت و منفی دارند. یک عدد به‌تنهایی تفسیر خاص ندارد، بلکه در مقابل دیگر اعداد و در کنار آن‌ها تفسیر می‌شود. با توجه به اینکه زبان کوردی به بیان بسیاری از صاحب‌نظران کورد شکل امروزی زبان اوستایی بوده است و زبان اوستایی ریشه‌ی مشترکی با زبان سانسکریت و مجموعه زبان‌های هند و ایرانی داشته است، نمونه‌ای از اعداد در زبان‌های کوردی، اوستایی، هند و فارسی را از شماره‌گان ۱-۱۰ را طبق جدول زیر مورد بررسی قرار دادیم:

ش	فارسی امروزی	فارسی میانه	سانسکریت	کردی امروزی	اوستا
۱	یک	اوک	اکا - eka	یه ک	- Aiva ایوا
۲	دو	دو	دوی dovi -	دوو	(dua) Dva
۳	سه	سه	تری - tri	سئی	- Tri تری
۴	چهار	چهار	چتور- chatur	چوار (چار)	Chatwar - چه وار، چه توار
۵	پنج	پنج	پانجا- pancha	پینچ	Pancha - په نجا
۶	شش	شاش	شاش - shash	شه ش	Xshwash - خشواش
۷	هفت	هفت	سابتا- sapta	حهوت(هفت)	- Hapta هپتا
۸	هشت	هشت(اشت)	اشتا - ashta	ههشت	- Ashta اشتا
۹	نه	نوه	نوا - Nava	نؤ	- Nava نوا
۱۰	ده	ده	داسا- dasha	ده	- Dasa دسا

همانطور که می بینیم اعداد در زبانهای کوردی، اوستا، سانسکریت، فارسی از لحاظ شمارش و شباهت و نزدیک بودن تلفظ و شیوهی ادای آنها در دوره‌های مختلف تاریخی به هم نزدیک بوده‌اند. ضمن اینکه باید اشاره کرد اعداد در زبان اوستایی یا همان کوردی باستان و کهن بیشتر تشابه را نسبت به همدیگر دارند و اعداد در کوردی امروزی بیشترین تشابه را از لحاظ

معنایی و تلفظ با زبان اوستایی دارد.

۱-۳-۱: انواع اعداد

در نامگذاری و شناسائی اقسام شمار بین دستور نویسان اتفاق نظری حاصل نبوده‌است، برای مثال: میرزا حبیب اصفهانی، عدد را، اسم عدد نام نهاده و اسماء عدد را به پنج قسمت تقسیم ساخته‌است، مانند:

- ۱- اصلی یا اصلیه (یک و دو و سه و چهار، ...)
 - ۲- کسری یا کسریه (نیمه و سه یک و پنج یک و چهار یک، ...)
 - ۳- ترتیبی یا وصفیه (دوم، سوم و چهارم، ...)
 - ۴- توزیعی یا توزیعیه (دودو، سه‌سه، چهارچهار)
 - ۵- مجموعی یا هگانی (یگانه و دوگانه، نماز پنج‌گانه، بُرج دوازده‌گانه).
- کاشف نیز آن را بر پنج نوع شناخته‌است، که عبارتند از: اصلی و ترتیبی و کسری و توزیعی و مجموعی.

اما عبدالعظیم قریب عدد را بر چهار نوع تقسیم کرده‌است، مانند:

- ۱- اصلی
- ۲- ترتیبی
- ۳- کسری
- ۴- توزیعی. (نشاط، ۱۳۶۸، ۶۰).

۲: نشانه و نماد برخی از شماره‌ها در فرهنگ زبان فارسی و کوردی

۲-۱: شماره صفر: به خودی خود معنایی ندارد اما رتبه‌ی مناسب اعداد قبلی و بعدی را تعیین می‌کند. (شمیل، ۱۳۹۵، ۱۹). صفر در نماد شناسی به مثابه‌ی عدم هستی، لاشیئی است. صفر از درست کردن شمارهای مانند (۱۰-۲۰-۳۰-۴۰، ...) و غیره شرکت می‌کند؛ پس صفر یک عدد اساسی است. (رسول، ۲۰۱۲، ۱۰۰). در زبان فارسی نمونه‌های زیادی وجود دارد که عدد یک در آنها به‌کار رفته‌است، یکی از آن اصطلاح (یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود). کورد زبانان نیز چنین اصطلاحی را به‌کار می‌برند، که می‌گویند: (هه‌بوو نه‌بوو که‌س له‌خوای گه‌وره‌تر نه‌بوو). در زبان کردی نیز شماره یا عدد صفر ارزش خود را دارد و مردم آن را در زبان و کارهای روزمره‌ی خود به‌کار می‌برند. می‌توان نمونه‌های را از این موضوع ذکر کنیم که عبارتند از: (هیچ و پوچ، دونیایه‌کی هیچه، کابرایه‌کی سفره، ده‌لئی سفری پاش فاریزه‌ی، من بی تو هیچ نیم، فلان که‌س سفر بوته‌وه، هاته‌سه‌ر سفر، ...هتد).

۲-۲: شماره یک: عدد یک، بیانگر وحدت آغازین، نشانه‌ی شروع؛

آفریننده، محرک اول، مجموع ممکنات، ذات، مرکز، تقسیم ناپذیری، انزال، غلیان و نا آرامی، اصلی که ثنویت و چندگانگی از آن بر می‌خیزد و سپس به وحدت باز می‌گردد. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۱۵). معمولاً اصطلاح یکرنگی در ادبیات فارسی کنایه از شخص صادق بی‌ریا و مخلص می‌باشد. می‌توان گفت که (شمار یک بر معنا و مفاهیمی چون کثرت در وحدت اشاره دارد. عدد یک نشانگر روحی خلاق است و حسی قوی از فردیت و شجاعت یا قاطعیت را به همراه دارد که اگر سرکوب شود، همین عدد می‌تواند نماد رفتاری اعتیادآور و عادت‌ی، پرخاشگری با نیروی غالب و مسلط باشد). (میتفورد، ۱۳۹۴، ۲۰۷). این شماره یکی از شماره‌های فرد است و نماد تنهایی و توحید را نمایان می‌سازد. نماد (خالق) است، به‌نظر فیثاغورث یک آغاز زنجیره‌ی تعداد است و آن را با عقل تصور کرده است. (کاکه، ۱۹۸۶، ۳۵۹). زبان کوردی همانند زبان فارسی و دیگر زبانهای جهان برای شماره‌ی یک ارزش و اهمیت را قرار داده‌است. به‌عنوان مثال این ضرب المثل در هر دو زبان کنایه است برای عدد یک (تک و تنها- تاک و تنهیا). این عدد در زبان کتاب، ادبیات، پندها، ادیوم‌ها، ضرب المثل‌ها، و نیز زبان روزمره به‌وفور دیده می‌شود. از نظر نشانه‌شناسی به‌طور کلی شماره‌ی یک معنی وحدانیت (خدا) را می‌رساند. به‌عبارت دیگر مفهوم بزرگی، شایستگی، پیرایستگی، زرنگی و توانایی و ... الخ، را در اندیشه و افکار هر کسی را می‌آفریند، و قتیکه گفته می‌شود فلان کس اولین است یا به‌اصطلاح کردی (یه‌که‌می بی‌رکابه‌ره) منظور از آن است که آن شخص با توانا و شایسته است، در کار و عمل خود ماهر و یکمین است. در زبان کردی ادیوم‌های زیادی وجود دارد، که شماره‌ی یک را به‌خود می‌گیرند یکی از آنها به‌عنوان نمونه هنگامی که گفته می‌شود (یه‌که و ناپیت به دو) این عبارت یعنی کلمه‌ی خدا را می‌رساند که یک است. علاوه بر آنها کلمه‌ی (تاقانه) در زبان کوردی مقابل عدد یک قرار می‌گیرد. در زبان فارسی هم (تاک و بی همتا) نشانه‌ی وحدانیت خداست. به‌نظر فیثاغورث یک آغاز زنجیره‌ی تعداد است و آن را با عقل تصور کرده است. (کاکه، ۱۹۸۶، ۳۵۹).

۲-۳: شماره دو: دو، رقمی است بدون معنی دال بر ارتباطی که به وجود آورنده‌ی عامل سوم است. نزد فیثاغورث؛ دوگان (Duad) یعنی هستی خاکی که تقسیم گشته است. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۱۸). دو عدد دوگانگی است.

شکافی انسانها است که در زندگی بین شب و روز، قلب و ذهن، مردانه و زنانه، خوب و بد، داخل و خارج و غیره را درک می‌کنند. از یک طرف شماره دو نماد مشترک است، ولی از سوی دیگر، نماد تعارض و مخالفت است. هنگام تعادل، دو عدد همانگی است، اما در صورت عدم تعادل، عدد دو می‌تواند مخرب باشد. عدد دو نماد تضاد، درگیری، انعکاس و یاتهدیدهای پنهان است. عدد دو، نشانه‌ی تمام دو وجهی‌گری‌ها است. در میان تمام چیزهای به‌شدت دو وجهی، دو می‌تواند منشأ پسرقتی نکبت بار باشد. (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴، ۲۵۷). در نزد ایرانیان کهن و در آیین زردشت آهورامزدا و اهریمن نماد دو خدای شر و خوب هستند. به شیوه‌ی دیگر دو رمز تعارض یا آرامش موقعیت نیروهاست. در تمام آیین‌های بشری، دو شوم قلمداد شده است. (شمیسا، ۱۳۸۳، ۱۵۳). به‌غیر از این‌ها در زبان کردی عده‌ای از کلمات هستند که معنای عدد دو را می‌رسانند و کورد زبانان آنها را به‌کار می‌برند، از قبیل: (جوت، جوتَه) و در زبان فارسی واژه‌ی (جفت) همان معنی را می‌رساند. همچنین در این زبان اصطلاحی را به‌کار می‌برند که دارای عدد دو است، مانند: (دووه ناییت به سی)، که در آن کنایه و نماد از شب و روز است. عدد دو به‌معنای قیاس و میزان و هم وزن هم می‌آید.

۲-۴: شماره سه: سه یکی از شماره‌های فرد است که فقط بر روی خودش تقسیم می‌شود. بسیاری از چیزها از سه تشکیل می‌شوند، زمان سه وقت را دارد، حال و گذشته و آینده، خانواده تیز از پدر و مادر و بچه تشکیل می‌شود. انسان هوش و احساس و زبان را دارد. ماده نیز سه حالت دارد. (رسول، ۲۰۱۲، ۵۲). سه عددی است که، وقتی با عدد پس از خود جمع شود عدد مقدس هفت؛ و وقتی در عدد پی از خود ضرب شود عدد مقدس دوازده را پدید می‌آورد. (نورآقایی، ۱۳۸۷، ۳۹). در سراسر جهان سه عددی بنیادی است. عدد سه معمولاً به عنوان یک عدد خوش شانس و قدرتمند دیده می‌شود. عدد سه نشان دهنده اصل الهی است که زیربنای زندگی مانند ذهن، بدن و روح است. در اساطیر یونان، تثلیث سه خدای بزرگ ((ژئوس، هرا، آتنا)) جلوه‌گاه اهمیت و شاید تقدس شماره‌ی سه است. (فاطمی، ۱۳۷۵، ۵۱). بنابر اعتقاد فیثاغورثیان عدد سه به تکامل و عشق کامل اشاره دارد. همچنین در تمدن‌های آمریکای جنوبی به آب و احساسات انسانی نمایانگر است. و در مسیحیت به تثلیث مقدس و سه مجوس که هدیه-

ها را برای مسیح آورده‌اند نشان می‌دهد. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۵۸). درباره‌ی مهمان‌نمیزی نیز در میان اقوام کرد عادات رسوم آن سه روز است اگر بیش از سه روز باشد باید انسان یا مهمان خودش را ملزم بداند مقابل هر چیزی. عدد سه معنایی مثبت را ایفا می‌کند و شماره‌ای مبارکی را محسوب می‌شود. برای مثال در دین اسلام طلاق نیز سه مرتبه است، با یک بار گفتن این کلمه نمی‌توان زن را طلاق داد. همچنان در میان کردها بعضی وقت مردم میان خودشان هنگام جروبخت می‌گویند تا شماره‌ی سه می‌شمارم اگر این چیز را برام نیآوری یا این کار را انجام ندهید دلخور می‌شوم یا بلایی را بر سرت می‌آورم که نپرس... (رسول، ۲۰۱۲، ۵۲). در نزد ایرانیان عدد سه نماینده‌ی صلاح و اتمام و کمال است. (نشاط، ۱۳۸۶، ۲۶۱). ضرب المثلی در این مورد هست که می‌گوید (تا سه نشود بازی نشود)، یعنی هر چیز با سه تا کامل می‌شود. همچنین در زبان کردی، اصطلاحی را به‌کار می‌برند که عدد سه در آن وجود دارد، مانند: (سی‌یه و نابیّت به‌چوار)، که نماد و نشانه است برای کلمه‌ی طلاق.

۲-۵: شماره چهار: طبق نظر قدمای ایرانی نقل شده‌است که قدرت اصلی خلقت بر چهار عنصر از قبیل: زمین، آب، آتش، و باد طبقه‌بندی شده‌است. لازم به‌ذکر است که ابتدا ایرانیان تنها به چهار آسمان معتقد بودند و بعداً باور و اعتقاد آنها به هفت آسمان به سبب نفوذ عمیق نجوم بابلی بر ایران بود. (بهار، ۱۳۷۶، ۶۶). عدد چهار نزد قیثاغورثیان نماینده‌ی سعد و عدالت بوده زیرا چهار اولین مجذور کامل و حاصل ضرب دو عدد مساوی است. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۲۶۱). این شماره در کتاب مقدس هندوئیسم ودا (Vedas) مقدس شمرده شده، و در مسیحیت نمادی از چهار انجیل و چهار طرف صلیب است که نشان دهنده‌ی نجات جهان است در همه جهات. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۵۸). یونگ راجع به اهمیت عدد رمزی چهار که قیثاغورس اصطلاح تتراکس را به آن اطلاق کرده است، به عنوان رمز الوهیت می‌داند. به‌عنوان مثال وقتی که گفته می‌شود چهار چشم: کنایه از بسیار مشتاق و منتظر شدن است. اصطلاح فارسی و ترکی «چهار چشمی مراقب بودن» که به معنای دقت و انتظار فراوان است. در زبان کردی، اصطلاحی را به‌کار می‌برند که عدد چهار در آن وجود دارد، مانند: (چواره و نابیّت به پینج)، که نماد و نشانه است از چهار فصل. یا چوار چاو،

چوارشانه، و... الخ. همچنین در زبان کوردی چهار، نشانه‌ی طلایت و استواریست، واژه‌های از قبیل (چهار تاق، چهار ستون، چهار چوبه، ... الخ)، که همه نوعی از استقامت و یا را در ذهن کورد زبانان بوجود آورده‌است.

۲-۶: شماره پنج: شماره‌ی پنج مانند عدد چهار مفهوم خوبی دارد و نشانه‌ی تکامل غایی است. اعداد پنج در ادبیات و عرفان کاربردهای بسیاری دارد، اولین عنوانی که می‌توان بدان اشاره کرد، پنج حواس خمسسه است، یعنی سامعه (شنیدن)، باصره (دیدن)، شامه (بوییدن)، ذائقه (چشیدن) و لامسه (دست و پا زدن) است. در عرفان پنج لطایف: قلبی، روحی، سرّی، خفی اخفی؛ از این جهت نای هفت پرده در دل و پنج داغ بر سینه دارد. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۲۹). (عدد پنج، نشانگر ماهیتی انساب پذیر و همه فن حریف با تمایل به سرعت عمل در هر وضعیت مفروض است. اگر سرکوب شود این عدد می‌تواند نمادی از طبیعتی بیقرار و بی‌حوصله باشد). (میتفورد، ۱۳۹۴، ۲۰۷). همچنین ستاره‌ی پنج به عنوان یک نماد عیسوی حاکی از پنج زخم روی بدن مسیح است. (جیمز، ۱۳۸۷، ۱۰). در زبان کوردی، اصطلاحی را به‌کار می‌برند که عدد پنج در آن وجود دارد، مانند: (پینجه و ناییت به شه‌ش) که، نماد و نشانه است برای پنج فریضه‌های نماز خواندن. همچنین به دلیل نفوذ باورهای اسلامی عدد پنج کنایه است بر پنج رکن اصلی آیین اسلام، عبارتند از: (شهاده، نماز، روزه، حج، زکات)، که در نزد کوردها از اهمیت خاص برخوردار است.

۲-۷: شماره شش: شش کوچکترین عدد کامل، تعادل و پایداری، هارمونی و هماهنگی، تولید کننده‌ی اکثر اعداد اتاد قطبین، خنثی، دوجنس، دو مثلث درهم تنیده، مثلث رو به بالا یعنی مرد، و مثلث رو به پائین یعنی زن، آب، زمین، سمیل عشق، شانس، فرصت، عدد برنده در تاس انداختن، ستاره‌ی داود، تضمین سلیمان. (بابا احمدی و دیگران، ۲۰۱۶). عدد شش نماد وحدت اضداد و موجود دو جنسی که با دو مثلث متقاطع نشان داده شده است، یکی با تورات، خلقت انسان یعنی آدم و حوا را در ششمین روز آفرینش بیان کرده است. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۲۹-۳۰). در فرهنگ چینی شش حس وجد دارد. وجود ذهن، روز و شب هر کدام شش دوره دارند. (حیدری، ۱۳۹۲، ۷۵). در ادبیات فارسی، شش جهت به معنای همه‌ی جهات است. برای نمونه هنگامی که گفته می‌شود شش ماهه به دنیا آمدن به معنای آن است که شخصی در کارها بسیار عجز است. شش جهت منظور از

مشرق، مغرب، شمال، جنوب، سمت الرأس و سمت القدم. همچنین در زبان کردی، کلمه‌ی (شه‌ش‌لان) که از نام شهر شوال عربی برگرفته شده است، و در زبان کوردی عبارتی از قبیل (شه‌شه و نابیت به حصوت) را برای آن شهر به‌کار می‌برند، که شهری است بعد شهر رمضان می‌آید، مردم در این شهر شش روز، روزه می‌گیرند. علاوه بر آنها ساختن و بوجود آمدن آسمان و زمین از شش روز رخ داده‌است.

۲-۸: شماره هفت: عدد هفت در نماد شناسی و به تعبیر دکتر علی شریعتی به معنای شش به اضافه‌ی یک و هشت منهای یک نیست، بلکه نشانه‌ی بی‌نهایت و بی‌شمار است. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۳۱). شماره‌ی هفت بعضی وقت معنای شادی و خوشی را نیز می‌رساند، برای مثال هفت روزگی عروس و داماد، هفته‌ی نوزاد تازه متولد شده، یا معنی پاکی را می‌رساند مانند: (فلان در مقابل با فلانی با هفت آب شسته شده‌است). (رسول، ۲۰۱۲، ۵۳). در بسیاری از ادیان اهمیت زیادی به عدد هفت داده شده‌است. ما در بسیاری از کتاب و داستان و افسانه‌ها روبرو می‌شویم که عدد هفت به معنایی بسیار به‌کار رفته‌است. مثلاً می‌گویند پادشاهی هفت برج و بارو دارد، یا هفت دریا، هفت سرزمین، هفت پیکر، هفت خوان رستم،... و الخ. در زبان کردی نیز کلمه‌های همانند (حصوت تاق ئاسمان، حه‌فتانه، حصوت ئه‌ستیره، ... و الخ) به‌کار رفته می‌شوند، همچنین کلمه‌ی هفت اقلیم جهان، هفت گنبد، الخ به عنوان نماد کاربرد دارند. ایرانیان بر این نکته اذعان می‌کنند، که در روز هفتم آفرینش حلقه کامل شده و دور جدیدی از هستی آغاز شده است. اعتقاد به هفت اقلیم، که در اعتقادات ایران باستان نماد بارزی دارد، نمادی از اهورامزدا و شش امشاسپند هستند. طبق این اعتقاد، هفت اقلیم در بخش مسکون دنیا واقع شده‌اند و در مرکز آن ایران قرار دارد. اهورامزدا هفت صفت دارد: نور، عقل نیک، راستی، درستی، قدرت، تقوی، خیر، فناپذیری. (زینب کریمی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۱). این عدد نمادی از کمال، کامل بودن است. در فرهنگ دیگر، هفت روز هفته و هفت رنگ کمان و رنگین کمان را نشان می‌دهد. در فرهنگ باستانی فرعون‌ها، هفت خدای نور و هفت خدای تاریکی وجود داشت. همچنین در دین اسلام و اعتقاد اسلامی هفت طبقه‌ی بهشت، هفت طبقه‌ی جهنم وجود دارد. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۵۹).

در زبان کردی به علاوه‌ی نمادهای مذکور در مورد عدد هفت، کلمه‌ی

(حفتانه، هفتیانه) را به‌کار می‌برند، که از شماره‌ی هفت گرفته شده‌است، عبارت است از هفتمین روز بعد از روز عروسی دو نفر، در آن روز فاملی عروس خانم و عده‌ای دیگری از نزدیکانش به خانه‌ی آنها سر می‌زنند برای تبریک گفتن و کادو و هدیه‌ها را با خود می‌برند. همچنین کوردها اصطلاح از قبیل (حهوت و نابیت به هشت) را به کار می‌برند منظور از هفت طبقه‌ی آسمان است. بعضی از مکان در کوردستان وجود دارد که عدد هفت در آن هست مانند: (حفت ته غار) در ناکری و کرکوک.

۲-۹: شماره هشت: این عدد در اکثر متون کهن و نو نماد قدرت و بی‌نهایت تلقی شده است. عدد هشت رقم موزونی و هماهنگی کیهان به شمار می‌رود. شکل که تصویری مشهور دو مار به هم پیچیده به دور چوب را تداعی می‌کند. شمار هشت در عرفان و ادیان مظهر قدرت پیامبران است. یهودیان در کتب عرفانی خود عدد هشت را عدد عطارد دانسته و آن را سنبل مراقبه نامحدود می‌دانند. به عبارت دیگر این عدد نشانه دستاورد، فراوانی، اجرا، قدرت، منظم، موفقیت، روانشناسی، شدت، سرپرست، ارائه دهنده و عظمت است. (www.imna.com). در زبان کردی هشت معنای نازکی، لطافت، عطوفت و مهربانیت را می‌رساند. شماره‌ی هشت یکی از آن اعداد است که، خوشی و فرخندگی است، از آن اعدادیست که، خوش-یمینی و برکت با آن همراه است. عدد هشت، نزد کرد زبان‌ها نماد است برای هشت فرشته‌ی آسمانی که عرش خدا را گرفته‌اند.

۱۰-۲: شماره نه: عدد نه آخرین رقم از مجموعه ارقامی است که در آن واحد هم پایان و هم شروع دوباره را نوید می‌دهد. یعنی قرار گرفتن بر زمینه‌ای جدید را و بدینگونه مفهوم یک تولد جدید و جوانه زدن، همزمان با مفهوم مرگ در آن دیده می‌شود. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۳۷). در اساطیر یونان شمار نه الهه الهام بخش و هنرپرور وجود داشتند که هر یک، بز یکی از رشته‌های هنری تأثیر می‌نهادند، و تأثیر سود بخش خود را بر ذهن و روح هنرمندان بر جای می‌نهادند. گویند در خواب عدد نه نشانه‌ی خوبی ندارد و معمولاً بر فساد دلالت دارد. همچنین گفته شده این عدد نزد زنان، نشانگر آرزوی بچه‌دار شدن و در مردان، تشکیل خانواده می‌باشد. به عبارت دیگر عدد نه نشانه انتها، تکمیل، انسانی، مهربان، عاشقانه، فداکارانه، سخاوتمندانه، بشر دوستانه، عقل، آرمانگرا، هنری، شفا دهنده‌ی معنوی، از دنیای دیگر و ترکیب است. (www.imna.com). در زبان کردی،

اصطلاحی را به‌کار می‌برند که عدد نه در آن وجود دارد، مانند: (نویه و ناییت به ده) که، نماد و نشانه است برای نه معجزه‌ی حضرت موسی(ع).

۲-۱۱: شماره ده: این عدد برای فیثاغورسی‌ها نماد قدرت خداوند (Divine Power) است. در کتاب مقدس عددی است که نشان دهنده‌ی احکام الهی و ده بلای مصریان در دوران حضرت موسی است. در فرهنگ سرخ-پوستان آمریکا نماد هوش و توانایی ذهنی است. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۶۰). عدد کیهان؛ نمونه‌ی اعلا‌ی خلقت؛ دهگان در بر گیرنده‌ی همه‌ی اعداد است، از این رو همه چیزها و موجودات را شامل می‌گردد. در میان کوردهای باستان عددها با شماره‌ی ده به تمام می‌رسند و بعد از آن دوباره شروع می‌شود، برای مثال اگر شماره‌ی (۲۰) وجود داشت برای آنان (دو ده) شمرده می‌شود یا برای شماره پانزده (۱۵) که به ده و پنج خوانده می‌شود.

۲-۱۲: شماره یازده: عدد یازده در فرهنگ نمادها به طول مدت اشاره دارد. برخی نیز آن را نماد گناه و خطا و همچنین شیطان و جن می‌دانند. همچنین نماد گناه؛ تخطی؛ مخاطره است. ده عدد موجود کامل و قانون است و یازده تجاوز از این دو محسوب می‌شود. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۱). در قرآن، طبق آیه‌ی ۴ سوره‌ی یوسف، یوسف نبی رؤیای خود را به پدرش یعقوب بزگو می‌کند که «من یازده ستاره به همراه خورشید و ماه را در رؤیا دیدم؛ آنها را دیدم که برای من سجده می‌کنند». این خواب به پدر و مادر و نه برادر یوسف تأویل شده است.

۲-۱۳: شماره دوازده: در تفکرات بودایی، شورای دالایی لاما دوازده عضو دارد. در فرهنگ سامی، دوازده روز نبرد آشفتگی آغازین و کیهان وجود دارد. (نورآقایی، ۱۳۷۸، ۹۴). این عدد در نمادهای مسیحی شماره‌ی جهان کامل است. این عدد نه تنها در عهد عتیق، بلکه در عهد جدید نیز کاربردهای فراوانی دارد. مانند: دوازده پسر یعقوب نبی، دوازده حواری مسیح، دوازده دروازه‌ی بیت المقدس، و نیز دوازده چشمه‌ای که به معجزه‌ی حضرت موسی از دل سنگ جوشید. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۳). در زبان کوردی نیز اصطلاح (دوازده سواره‌ی مهربوان) به‌کار می‌رود که، کنایه از پیروزی، قدرت و پهلوانی است.

۲-۱۴: شماره سیزده: غالباً عدد سیزده را نحس و نامبارک شمرده‌اند و در بسیاری از کشورها و در بین افراد این عقیده به‌شدت رسوخ یافته

است بطوری که گاه در مهمانسراها اطاق شماره‌ی ۱۳ را حذف و رد، وسائل نقلیه‌ی احیاناً ردیف‌صندلی ۱۳ را کسر کرده‌اند. عقیده‌ی به نافرزندگی عدد ۱۳ حتی برای روز سیزدهم ماه بویژه فروردین ماه که مراسم خاصی به نام سیزده بدر برای رفع نحوست آن برپا می‌دارند و حتی برای سیزدهم ماه صفر یک مسأله همگانی شده و در فولکلور کشور جایی برای خود اختصاص داده‌است. (نشاط، ۱۳۸۶، ۲۶۴). بر خلاف شومی این عدد، روز ۱۳ رجب روز تولد حضرت علی (ع) سلام است. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۲-۴۳). در زبان کوردی، اگر کسی شانس و اقبال نداشته باشد اصطلاح مانند (نیو چاوانم سیزده‌یه) یا (فلان که‌س سیزده‌یه) را می‌گوید: بدین شیوه از حال و وزعش تعریف می‌کند که، تا چ حدی بد بخت، بی‌شانس و بی‌چاره است.

۲-۱۵: شماره چهارده: در ادبیات و عرفان ایران این عدد اشاره به بدن کامل دارد که همچون جوانی چهارده ساله در زیباترین سنین به سر می‌برد. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۴). این عدد برای گفتن یا بیان کردن کمیت و اندازه‌ی زیبایی کسی یا دختری نیز به‌کار برده می‌شود. رخسارش مثل ماه چهارده است. همچنین در زبان کوردی، این عدد نشانه از زیبایی، متانت، وقار و محبت است. این شماره در عمر انسان‌ها به نشانه‌ی بلوغ، جوانی، رسیدگی به مرحله‌ی تفکر و ذهنیت توصیف می‌شود.

۲-۱۶: شماره بیست: عدد بیست رمز موفقیت، خدای کل، نماد، خدای «آنو» و ایزد خورشید است. در میان ایرانی باستان عدد بیست نشانگر خدای خورشیدی و همچنین نشانگر انسان کامل و وحدت اولیه بود. (ژان، ۱۳۸۴، ۱۴۵). به عبارت دیگر این عدد مرکب از دو ده است، یهودی‌ها معتقد بودند که بیست نماینده‌ی هماهنگی است. این عدد یکبار در قرآن، درباره‌ی تشویق و ترغیب مسلمانان به جهاد با کافران و مشرکان آمده است: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین = اگر در بین شما بیست نفر صابر و مقاوم راستین باشد، می‌توانند دویست تن از آنها را شکست دهند. (صورت انفال، ۶۵)». (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۵).

۲-۱۷: شماره سی و سه: عدد ۳۳ در مکتب بودایی عدد مقدسی است، زیرا این عدد اعتقاد وجود دارد، که بودا را به ۳۳ روش مختلف نجات می‌دهد. به عبارت دیگر این شماره مقدس دیده می‌شود، و نشان دهنده‌ی عمر انسانی مسیح بر روی زمین می‌باشد. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۶۱).

۱۸-۲: شماره چهل: عدد چهل به نقل از قابوس نامه در میان ایرانیان نماد بیان کمال و پختگی و همچنین بیان کثرت است. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۶). شایان ذکر است که این عدد نمادی تجربیات شیطان در برابر مسیح است. زمانی که او (چهل روز) روزه گرفت، و قوم بنی اسرائیل به مدت چهل سال در صحرای سینا از دست رفت و سپس کشف خود و ایمانش را نشان داد. همچنین به چهل روزی که موسی پیامبر (ع) در کوه حورب در صحرای سینا در مصر گذراند اشاره دارد. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۶۱). عقل آدمی در سن چهل سالگی به اوج کمال در حد استعداد هر کس می‌رسد، یعنی می‌توان گفت که، بهار عمر انسان‌ها در چهل سالگی است. حضرت محمد(ص) در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند. حضرت موسی چهل روز در کوه معتکف بود تا الواح هفتگانه را دریافت داشت. چله نشینی در بین عرفا از وظایف مهم صوفیان و بیشتری برای تزکیه جسم و ارتقای است. در زبان کردی، کلمه‌ی (چله) که از عدد چهل برگرفته شده‌است کاربرد دارد، که نماد و نشانه است از چهل روز بعد از تولد بچه، و چهل روز بعد از مرگ کسی (چله‌ی ماته‌مینی).

۱۹-۲: شماره هفتاد: این عدد در قرآن نشان دهنده‌ی کثرت و بسیاری است: هفتاد بار استغفار کردن بیهوده. (سوره‌ی توبه، ۸۰). هفتاد بند زنجیر جهنم (حاقه، ۳۲). هفتاد مرد بر گزیده شده از سوی موسی (اعراف، ۱۵۵). امام صادق(ع) فرموده است: صدقه‌ی آشکار هفتاد نوع بلا را دور می‌کن، و صدقه‌ی پنهان خشم خدا را فرو می‌برد. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۷). به عبارت هفتاد و هفتاد و دو از شماره‌های مبارک شمرده‌اند. تفسیر فارسی تربیت جام: «خدای تعالی در آن شب هفتاد فریشته بفرستاد در آن چاه با یوسف انس می‌داشتند.» (نشاط، ۱۳۸۶، ۲۶۵).

۲۰-۲: شماره هفتاد و دو: این عدد نیز یکی از شماره‌های مبارک شمرده می‌شود. در آیین اسلامی به شماره هفتاد و دو شهید در (غزوه بدر) اشاره شده‌است. یا مثلاً هفتاد و دو یاران پیامبر اسلام (ص).

صد: شماره‌ی صد، بخشی است که یک واحد را در یک کلیت شکل می‌دهد؛ یک عالم صغیر را در یک عالم کبیر، یک فرد، یک گروه یا یک واقعیت را در یک مجموعه‌ی فردیت مشخص می‌کند. این تمامیت که، بدینگونه فردیت یافته شامل خواصی خاص با تأثیری خاص در یک مجموعه‌ی گسترده است. (ژان، ۱۳۸۴، ج ۴، ۱۴۵).

۲-۲۱: شماره شش صد و شصت و شش: این عدد نماد شیطان، بدی و شرارت او تجربیات او برابر انسان و بشریت را نشان می‌دهد. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۶۱). این عدد در تقویم هجری چنانچه لحظه‌ی تحویل سال، در بعد از ظهر ۳۶۶مین روز سال واقع شود، آن روز پایانی، و سال کبیسه به حساب می‌آید. همچنین عدد شش صد و شصت و پنج (۶۶۵)، زیر مجموعه‌ی آنها قرار می‌گیرد و به شماره‌ی روزهای سال اشاره می‌کند زیرا که؛ عدد روزهای دوازده شهر سال شش صد و شصت و پنج روز است.

۲-۲۲: شماره هزار: عدد هزار نه تنها نماد کثرت است، بلکه در فرهنگ نمادها مفهومی بهشتی دارد، و به معنای سعادت ابدی نیز هست. (شجاعی، ۱۳۹۶، ۴۹). این عدد در ادبیات، عدد رمزی است، شاید بتوان گفت که با اضافه شدن عدد یک به این هزار، یک جور این جهان کامل، به آرامش می‌رسد. به عبارت دیگر این عدد در مسیحیت نماد و نشان دهنده‌ی عمر دراز کلیسا است و همچنین نماد هزاره‌ی مسیحی‌ها می‌باشد. (المقدسی، ۲۰۰۶، ۱۶۱).

نتیجه گیری

زبان‌شناسان دارای دیدگاه‌ها و نظریات مختلف باهمدیگر هستند. اما به

شیوه‌ی کلی در تعریفی از نشانه‌شناسی باکدیگر هم سو و هم نظر هستند. باتوجه به اینکه بشر در طول حیات خود گذشت زمان را درک کرده، همچنین زندگی در طبیعت و تلاش جهت رفع نیازهایش، ادراک او را از پدیده‌های طبیعی بالا برده و نه تنها در دیگر زمینه‌ها هم به پیشرفت دست پیدا کرده بلکه در پی نیاز مبرم او به شمارش رویدادها و پدیده‌های طبیعی اعم از شب و روز، فصلها، پیدایش تاریخ و زمان، نامگذاری و تفکیک کردن عناصر و پدیده‌ها بر اساس ویژگی‌ها، شناسه‌ها و مرتبط بودن اعداد با مکان و زمان (سالها و سده‌ها)، نیازمندی‌های اجتماعی بشر و گرایش او به سمت یکجانشینی و شهرنشینی، بروز مشکلات و پدید آمدن رقابت در اجتماع و ... توانست اعداد و شمارش را به صورت کاربردی وارد زندگی خود کند. در ابتدا این اعداد به صورت نمادین و به شیوه‌ی اشکال و تصاویر خاصی نوشته می‌شدند. این اشکال به شیوه‌ای قراردادی استفاده می‌شدند اما با رواج مدنیت و پیشرفت بشر در زندگی شهرنشینی نیاز مبرم به وجود آمدن اعداد کرد، پوشیده نیست که مکان زندگی بشر و در هم تنیدگی زندگی‌اش با طبیعت در موارد ذکر شده تأثیر فراوان داشته است. و همین مکان و طبیعت او را وادار به شمردن کرده است که این شمردن هم روند تکامل خود را طی کرده است و از حروف و سمبل به شکل اعداد امروزی درآمده است زیرا نیاز به شمارش و شمردن از احتیاجات اولیه بشری بوده است. جنبه‌های مرموز یا نشانه‌ای اعداد و ارقام در اکثر ملت‌ها، مخصوصاً در هر دو فرهنگ فارس و کرد، تقریباً شبیه و نزدیک به هم دیگرند.

بیشترین اعداد استفاده شده در هر دو زبان اعداد یک، دو، سه، چهار، هفت، چهل، صد و هزار و ... بوده است. که در این میان کاربرد بعضی از اعداد جنبه‌ی مذهبی داشته. عدد شش، در تمام در هر دو فرهنگ نمایانگر اعتدال و هماهنگی است. عدد هفت به صورت ویژه با اسامی چون هفت آسمان، هفت بحر و هفت مرتبه، روز هفتم (چه در میلاد و هنگام تولد نوزاد و چه در هنگام مرگ و وفات کسی به کار می‌آید)، هفت وادی و هفت خوان و ... غیره. شماره‌ی هفت اولین عددی است که هم مادی و هم معنوی قلمداد می‌شود، و نشانه‌ی انسان کامل بودن را می‌رساند. هم دارای ویژگی زمینی و هم دارای ویژگی آسمانی است. عدد هفت شاید از افسانه‌ای‌ترین و آیینی‌ترین اعداد در بین ملت‌های جهان باشد، به طبع آن در زبان‌های فارسی و کردی هم بدین شکل است. هشت نماد و نشانگر نوزایی، سعادت و قیام است. هدف عدد هشت شروع است. عدد نه در تمام فرهنگ‌های آسیایی نماد

است برای تازه شدن. عدد ده ریشه‌ی تمام شمارش‌ها است. عدد کیهانی است. عدد سیزده که نماد از نحس محسوب می‌شود. در ایران نمادی از آشوب آغازین قبل از آفرینش است. به‌خاطر این است، که بعد از روز سیزدهم در آغاز سال نو دوباره کار و تلاش شروع می‌شود. عددی مثل چهل در هردو فرهنگ سمبلی از ریاضت کشیدن، رسیدن به بلوغ عرفانی است. اعداد صد و هزار معمولاً کنایه و نماد از چیزهایی است، که قابل شمارش نبوده چ از لحاظ کمی و چ از لحاظ کیفی، که بیشتر از حدّ انتظار باشند.

منابع فارسی:

- ۱: قرآن کریم.
- ۲: آسابرگر، آرتو (۱۳۷۹)، نقد و فرهنگ، ترجمه ضمیران مشیرزاده، تهران: انتشارات باز.
- ۳: احمدی، بابک (۱۳۹۲)، حقیقت و زیبایی، چاپ بیست و ششم، تهران: نشر مرکز.
- ۴: بابااحمدی، زینب کریمی و پژمان الماسی و گلنار رادمهر (۱۳۹۴)، «مطالعه و تحلیل اعداد اسطوره‌ای و نمادین» کنفرانس بین المللی مهندسی و علوم کاربردی.
- ۵: برتنس، هانس (۱۳۸۷)، مبانی نظریه‌ی ادبی، ت: محمد رضا ابوالقاسمی ماهی.
- ۶: بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، پژوهش در اساطیر ایران (پاره‌ی نخست و دوم در یک جلد)، چاپ دوم، انتشارات: آگاه.
- ۷: چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، مبانی نشانه‌شناسی، ت: مهدی پارسا زیر نظیر فرزانه سجودی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۸: هال، جیمز (۱۳۸۷)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ت: رقیه بهزادی، چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۹: حمیرا، زمردی (۱۳۹۲)، نظریه‌ی نشانه‌شناسی حروف ر متون فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات زوار.
- ۱۰: حیدری، اصغر (۱۳۹۲)، شناخت روحيات ملل، تهران: مهکامه.
- ۱۱: کهنمویی پور، ژاله/ خطاط، نسرین دخت/ افخمی، علی (۱۳۸۱)، فرهنگ توصیفی نقد ادبی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲: کلباسی، ایران (۱۳۸۰)، ساخت اشتقاقی، واژه در فارسی امروز تهران، پژوهشگاه، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ۱۳: مورگان ژاک ژان مری دو (۱۳۹۶)، مطالعات زبانشناختی گویش‌ها در زبان کردی، ت: بهزاد هاشمی، آکو عباس، سقز: نشر بیریار.
- ۱۴: میتفورد، میراندا بروس (۱۳۹۴)، دایره المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها، ت: همومه انصاری، حبیب بشیرپور، چاپ اول، تهران: نشر سایان
- ۱۵: معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.
- ۱۶: مرتضوی، منوچهر (۱۲۷۰)، مکتب حافظ، مقدمه‌ای بر حافظ‌شناسی، تبریز: ستوده.
- ۱۷: نور آقایی، آرش (۱۳۸۷)، عدد، نماد، اسطوره، تهران: نشر افکار.
- ۱۸: نشاط، سید محمود (۱۳۶۸)، شماره و مقدار در زبان فارسی، چاپ اول: تهران .
- ۱۹: سجودی، فرزانه (۱۳۹۵)، نشانه‌شناسی کاربردی (ویرایش دوم با تجدید نظر کلی)، چاپ چهارم، تهران: رامین.
- ۲۰: سجودی، فرزانه (۱۳۸۳)، نشانه‌شناسی کاربردی، انتشارات: قصه.
- ۲۱: سجودی، فرزانه (۱۳۹۰)، نشانه‌شناسی کاربردی، نظریه و عمل، چاپ دوم، تهران: نشر علم
- ۲۲: سوسور، فردینان دو (۱۳۸۲)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران: نشر هرمس.
- ۲۳: سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران: نشر هرمس.
- ۲۴: سبیباک، تامسس آلبرت (۱۳۹۱)، در آمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی: محسن نوبخت، تهران: نشر علمی.
- ۲۵: سیروس، شمیسا (۱۳۲۷)، دستور زبان فارسی، عبدالعظیم قریب، ملک شعراى بهار، بدیع الزمان فروزانفر، جلال همایی، رشید یاسغی/ زیر نظر سیروس شمیسا، چاپ ششم، تهران: فردوس.
- ۲۶: فاطمی، سعید (۱۳۷۵)، مبانی فلسفی یونان و روم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۷: فقیهی، علی اصغر (۱۳۴۹)، دستور زبان فارسی با تجدید نظر کامل، چاپ دوم، ناشر: مطبوعات اسماعیلیان قم: خیابان آرم مهرماه.
- ۲۸: فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی؛ تهران: سخن.
- ۲۹: صفوی، کورش (۱۳۹۱)، نوشته‌های پراکنده (دفتر دوم) نشانه‌شناسی و مطالعات ادبی، تهران: نشر علمی.
- ۳۰: قائمی‌نیا، علی رضا (۱۳۸۵)، «نشانه‌شناسی و فلسفه زبان»، ذهن، ش ۲۷.
- ۳۱: ریاحی، پیام و مریم انصاری منش (۱۳۹۶)، «بررسی نشانه‌شناسی از دیدگاه صاحب‌نظران»، اولین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی نوین. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- ۳۲: شجاعی، حیدر (۱۳۹۶)، نمادشناسی تطبیقی ۵: رنگ‌ها، اعداد، اشکال،

- ناشر: شهر پدram.
- ۳۳: شوالیه، ژان، آلن گریبان (۱۹۰۶)، (فرهنگ نمادها)، اساطیر، رؤیاهای، رسوم، ایما و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد. جلد دوم.
- ۳۴: شعیری، محمد رضا (۱۳۸۱)، معنانشناسی نوین، تهران: سمت.
- ۳۵: ضمیران، محمد (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، تهران: قصه.

منابع کردی:

- ۱: رسول، بابا رسول نوری (۲۰۱۲)، پیکهاته‌ی ژماره له زمانی کوردیدا، بلاوکراوه‌ی نه‌کادیبی کوردی، ژماره (۱۳۷)، هه‌ولێر.
- ۲: جه‌لال محمود علی (۱۹۸۰)، ئیدیۆم له زمانی کوردیدا.
- ۳: شوانی، رفیق (۲۰۰۹)، زمانه‌وانی (کۆمه‌ئیک وتار)، چاپی یه‌که‌م، زنجیره کتیب (۳۳۸).
- ۴: دزه‌بی، عبدالواحد مشیر (۲۰۰۹)، واتاسازی، چه‌ند لی‌کۆئینه‌یه‌کی سیمانتیکی و پراکتیکی، چاپخانه‌ی هه‌ولێر زنجیره‌ی کتیب: (۴۱۵) ده‌زگای بلاوکردنه‌وه‌ی موکریانی.
- ۵: کاکه، نافع (۱۹۸۶)، فیساکۆرسم له روانگه‌ی بیرکاریه‌وه، گو‌فاری رۆشنبیری نوێ، ژماره (۱۱۱).

منابع عربی:

- ۱: ماریو پای (۱۹۹۸)، أسس دانش للغه، ترجمه و تعلیق الدكتور أحمد مختار عمر، طبعه الثامنة.
- ۲: المقدسی، الاب صبري (۲۰۰۶)، رموز الأديان و الثقافات، راجعه: صغریا سخیا، طبعه الاولى.

منابع انگلیسی:

1. Eco, Umberto (1976); A Theory of semiotics. Bloomington, IN: Indian University Press/ London: Macmillan.
2. Ludo, David. Elements of Semiotics, Bloomsburg, Haddon Craftsmen, 1999.
3. Chandler, Daniel (2002); Semiotics: The Basic, London: Routledge.
4. Www. Iman. Com.

پوخته

به کارهینانی ژماره هه‌میشه له ژيانی مرؤفدا گرنگی خوی هه‌بووه. بۆ ئه‌وهی له‌گه‌ئ شته سروشتی‌یه‌کان هه‌لبکات، بیاناسیت و له‌ژيانی رۆژانه‌دا به‌کاریان هه‌ینیت، پئویستی به ژماردن هه‌بووه. له‌م باره‌یه‌وه داهینانی ژماره، به‌ره‌می پئویستی‌یه‌کانی مرؤفه به درپژایی میژوو. هه‌ر له‌به‌ر ئه‌وه سه‌ره‌کی‌ترین هۆکار بۆ په‌یدا‌بوون، داهینان و فراوان بوونی ژماره به و شیوه‌یه‌ی که ئیستا هه‌یه، هه‌مان ئه‌و فراوانی پیشک‌ه‌وتن و رۆشن‌بیری و گه‌وره‌ بوونی شارنشین بووه له‌ کۆمه‌لگه‌ی مرؤفایه‌تی‌دا. ژماره له‌ بیرو باوه‌ری کۆنی خه‌لکی میژۆپۆتامیا (کوردستانی باستان) و خواروی ئێران، کارتێکردنی گرنگ و کاریگه‌ری هه‌بووه، تا ئه‌و راده‌یه‌ی که به‌شیکیان شوینی پیرۆز و به‌رجه‌سته‌یان له‌ ناو خه‌لکدا هه‌بووه، وه‌هه‌ندیکی- تریان به‌ نیشانه‌ی بن به‌ختی و شه‌ر و ناخۆشی هه‌ژمار ده‌کرین. ئه‌و لیکۆلینه‌وه‌یه‌ تیریه‌ که به‌ شیوه‌ی کتیبخانه‌یی نوسراوه، لیکۆله‌ر له‌و لیکۆلینه‌وه‌یه‌دا هه‌وئێ داوه‌ هه‌ریه‌ک له‌ هه‌یما، هه‌یمالۆجی و واتاسازی پیناسه‌ بکات و لیکۆلینه‌وه‌یه‌. دواتر روانگه‌ی چه‌ند هه‌یما یاخود نیشانه‌ناسیکی ژماردوه‌ له‌وانه: (سۆسیر، پیرس، اکو، موریس، ...هتد). هه‌روه‌ها واتای به‌شیک له‌ ژماره‌کان هاتوووه و شرؤفه‌ کراوه.

وشه سه‌ره‌کیه‌کان: ژماره، واتاکان، هه‌یمالۆجی، هه‌یما، سۆسیر، پیرس.

Abstract

The use of numbers has always been important in human life. In order to tolerate natural phenomena, to know them and finally to use them in his daily life, human beings needed to count. Therefore, the invention of numbers has been the fruit of human needs throughout history. In addition, the development of civilization and the growth of urbanization in human societies has been one of the most fundamental reasons for inventing, inventing and expanding numbers in their current form. Therefore, numbers have had an important and influential function in the ancient beliefs of the people of Mesopotamia (ancient Kurdistan) and the Iranian plateau, to the extent that some of them had a sacred and prominent position among the people, and some others also they are considered a curse and a sign of the evil world. This research is a theoretical (theoretical) research that was written in the library method. In this research, the researcher tries to identify and examine each sign, semiotics, and semantics, then enumerate the viewpoints of several famous semioticians, such as Saussure, Peirce, Eco, Morris, etc.). He has also explained and analyzed the meanings of some numbers.

Keywords: semiotics, meanings, numbers, sign, Saussure, Peirce.